

اللمع فی التصوف

دکتر مصطفی ذاکری

اللمع فی التصوف / تألیف ابونصر سراج طوسی، با تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون به ترجمه دکتر مهدی محبتی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، ۵۱۲ ص.

این کتاب تنها اثر بازمانده، از ابونصر عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی سراج طوسی، (متون ۳۷۸ ه. ق) ملقب به طاوس الفقراء است درباره تصوف که اصل آن به زبان عربی است و ترجمه آن به فارسی به خوبی به وسیله آقای مهدی محبتی صورت گرفته و ویرایش استادانه آقای روحبخشان به روانی و سادگی و بلاغت آن کمک کرده است و آن یکی از قدیمترین آثار صوفیان است که به دست ما رسیده و شاید با توجه به حجم کتاب بتوان گفت که اثری با این وسعت قدیمتر از آن در دست نیست.

کتاب بعد از پیشگفتار کوتاه ناشر با دو مقدمه آغاز می شود یکی از مترجم در دو باب، باب اول در عرفان و روزگاران نو، و دیگر درباره اللمع و ترجمه آن. در باب اول علت روی آوردن مردم ایران را به صوفیگری و نتایج مثبت و منفی آن و سود تصوف برای خواص ذکر شده است و در باب دوم درباره مؤلف کتاب و محتوای آن و ارزش و قدمت آن سخن گفته است، و نیز درباره سبک نگارش کتاب و تأثیر آن بر ادب فارسی و اقتباس صوفیان بعد همچون غزالی و شعرای فارسی چون سعدی از این کتاب و سرانجام درباره نحوه ترجمه سخن رانده است.

نیکلسون در مقدمه درباره تحقیقات خود در زمینه تصوف از منابع اولیه (۸ کتاب را نام برده است) و مشایخ ابونصر سراج و سفرهای متعدد او به نقاط گوناگون ممالک اسلامی و این که این کتاب از نظر بینش اصالتی ندارد و دنباله رو پیشینیان است و این که

او متدین متعصب پایبند به سنن شریف است سخن می‌گوید و شرح می‌دهد که سراج حتی شطحیات صوفیان را به صورت شرعی تأویل می‌کند. سپس با اشاره به ریشه لغوی صوفی و بحتی درباره فناء فی‌الله و رابطه آن با توجه به سراغ منابع سراج می‌رود و نه کتاب را از مآخذ او می‌داند و سپس نام ۴۰ صوفی غیر مشهور را که در اللمع آمده است بر می‌شمارد و در آخر فهرستی از صوفیان صاحب نام را از ابتدا تا زمان سراج می‌آورد که شاید منظورش این است که گفتار آنان در اللمع به نحوی منعکس است و در آخر می‌نویسد که در کتاب اللمع نام ۲۰۰ صوفی آمده است که اغلب آنان ناشناسند.

اصل کتاب به ۱۴ بخش تقسیم شده که هر بخش را به نام کتاب نامیده است و هر کتاب به ابوابی منقسم گردیده است، چنانکه کتاب اول ۱۸ باب دارد و کلاً درباره مسائل مقدماتی است همچون معنای تصوف و ویژگیهای صوفیان واقعی از نظر مؤلف و ردّ عیب‌گیری‌های مخالفان و امثال آنها. در کتاب دوم احوال و مقالات زاهدان از قبیل زهد و توکل و صبر و محبت و خوف و رجا در ابواب جداگانه تشریح شده است. کتاب سوم درباره تصوف قرآن؛ و کتاب چهارم درباره تصوف و سنت پیامبر؛ و کتاب پنجم درباره استنباطات صوفیان از قرآن؛ و حدیث و کتاب ششم درباره اصحاب پیامبر و خلفای اربعه و اصحاب صُفّه؛ و کتاب هفتم درباره آداب و رسوم صوفیان در نماز و روزه، عبادت و سماع و سفر و ازدواج و غیره؛ و کتاب هشتم درباره مسائل مهم تصوف همچون جمع و تفرقه و فناء و بقاء و ذکر و اخلاص و فقر و غناست. در کتاب نهم برخی نامه‌ها و مکاتبات صوفیان با یکدیگر و اشعار و دعاهاى آنان آمده؛ و کتاب دهم به سماع اختصاص یافته است که در نظر غالب متشرعین حرام است و صوفیه آن را با شرایطی مجاز دانسته‌اند؛ کتاب یازدهم درباره وجد و نظر صوفیان درباره آن است. در کتاب دوازدهم درباره کرامات صوفیان و خوارق عادات آنان بحث کرده؛ و در کتاب سیزدهم اصطلاحات خاص صوفیان تعریف شده است مانند معنای حال، مقام، مشاهده، حق، حقیقت، صفا، شاهد، جمع و تفرقه، غیبت و حضور، صحو و سُکر، وجد و فنا و بقاء، مرید و مراد، قبض و بسط، حیرت و دهشت، کشف و شطح، توحید و تجرید، رؤیت، اختیار و بلا، وصل و فصل، تحلی و تجلی و تخلی، ازل و ابد، امتحان و تلبیس، ذوق و حریت و امثال آنها، این بخش از کتاب مقدمه‌ای است بر کتب متعدد بعد در زمینه شرح کلمات صوفیان که مهمترین آنها گلشن راز شبستری است. در کتاب چهاردهم در ذکر شطحیات صوفیان و تأویل آنها و گمراهی‌های بعضی از

صوفیان و نسبت‌های ناروایی که بدانان داده شده است بحث کرده است. کتاب با ۹ نمایه یا فهرست به پایان می‌رسد.

قابل ذکر است که تصوف در این کتاب در حقیقت به عنوان مترادف با عرفان به کار رفته است نه به معنایی که بعداً پیدا کرد که بین عرفان و تصوف فرق قائل شده‌اند که اگر بخواهیم به زبان امروزی بگوییم عرفان یک ایدئولوژی یا مکتب است و تصوف یک حزب یا گروه که برای خود مرکزی به عنوان خاتقاه دارد با آداب و رسوم خاص و پذیرفتن عضو در آن مشروط به شرایطی است و راه یافتگان دارای خرقة و کشکول و مطراق و کلاه نمدی هفت ترک یا دوازده ترک و امثال آنها می‌شوند و برای خود قواعد و رسومی دارند که با آنها شناخته می‌شوند. طبعاً بسیاری از شیوخ صوفیه برای خود خاتقاه داشته‌اند و از عرفان به عنوان مکتب اعتقادی خود سخن می‌گفتند. تصوف در تاریخ ایران و مشرق زمین بجز فواید روحانی و معنوی که برای آن می‌شمارند در حقیقت راه‌گریزی بوده است از سختگیری زاهدان قشری و ریایی و پناهگاهی بوده است برای کسانی که حاکمان و قشریان آنان را از خود می‌رانند و این کتاب می‌تواند شمه‌ای از چگونگی این امر را باز نماید.